

Analysis of the Studies Conducted in Higher Education Privatization

**Maryam sadat Ghoraishi khorasgani^{1*},
Mohamad Yamani²,
Gholamreza Zakersalehi³, Golnar Mehran⁴**

1- PhD Student of Higher Education Management,
Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

2- Professor of Psychology and Education
Department, Shahid Beheshti University, Tehran,
Iran.

3- Associate Professor of Institute for Research and
Planning in Higher Education, Tehran, Iran.

4- Associate Professor of Psychology and Education
Department, Alzahra University, Tehran, Iran.

Abstract

This study was conducted with the purpose of addressing the production of scientific works in the field of privatization of higher education abroad and the acquisition of discussions and components focused by studies, the results of the studies and the descriptive and formal analysis of the studies. Accordingly all works produced within the period of 2000-2015 in the Faculty of Education and Psychology database of Shahid Beheshti University were studied. The works were extracted from 33 journals in the field of higher education, including 24 scientific documents including 18 articles, 5 books and a thesis in the field of private higher education and analyzed by descriptive - analytic method. The findings are presented in three parts, the first part, related to the issues and factors considered by the study results showed that topics including the reason of privatization of higher education, goals, advantages and disadvantages and different types of private higher education institutions have been more

focused by the researchers. In the second part the results indicated that indiscriminate expansion of the private sector in higher education has led to lower quality, rising unemployment, failure to reduce financial dependence on public sector budgets, lack of responsiveness to labor market needs and priorities of individual interests to the social interests. In the third part the result of formal and descriptive analysis of the studies showed that 58.3% of the studies have been conducted within the years of 2011-2015 and 83% of the studies have used qualitative research and library method and only 17% have used the quantitative method and interviews and questionnaires. In terms of national and transnational studies 71% of the studies were national and 29% of the studies were transnational. In terms of cooperation and partnerships the group research was 8% higher than the individual research.

Keywords: Privatization, Higher Education, Private Higher Education, Types Of Privatization, Privatization Higher Education

* Corresponding author: maryamghoraishi@yahoo.com

تحلیلی بر مطالعات انجام‌شده در زمینه خصوصی‌سازی آموزش عالی

مریم سادات قریشی خوراسگانی^{۱*}، محمد یمنی دوزی سرخابی^۲، غلامرضا ذاکر صالحی^۳، گلنار مهران^۴

۱- دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی، دانشگاه شهید بهشتی

۲- استاد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی

۳- دانشیار مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی

۴- دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهرا

چکیده

این مقاله با هدف مطالعه وضعیت تولید آثار علمی در زمینه خصوصی‌سازی آموزش عالی خارج از کشور و دستیابی به مباحث و مؤلفه‌های مورد توجه مطالعات، نتایج مطالعات و بررسی شکلی و توصیفی آنها انجام شده است. بدین منظور کلیه آثار موجود در بازه زمانی ۲۰۱۵-۲۰۰۰ در پایگاه‌های اطلاعاتی مستقر در دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی مطالعه شد. این آثار از ۳۳ مجله تخصصی در حوزه آموزش عالی که مشتمل بر ۲۴ عنوان سند علمی شامل ۱۸ مقاله، ۵ کتاب و یک پایان‌نامه در زمینه آموزش عالی خصوصی است استخراج و به روش توصیفی-تحلیلی مورد مطالعه قرار گرفت. یافته‌های پژوهش در سه بخش ارائه شده است: بخش اول؛ در خصوص مباحث و مؤلفه‌های مورد توجه پژوهشگران که نتایج مطالعه نشان داد پژوهشگران بیشتر به مباحثی از جمله چرایی خصوصی‌سازی آموزش عالی، اهداف، معایب و مزایا و همچنین انواع مؤسسات آموزش عالی خصوصی پرداخته‌اند. بخش دوم؛ نتایج مطالعات حاکی از آن بود که گسترش بی‌رویه مراکز خصوصی آموزش عالی منجر به کاهش کیفیت، افزایش نرخ بیکاری، عدم کاهش وابستگی مالی به بودجه بخش دولتی، عدم پاسخگویی به نیازهای بازار کار و اولویت منافع فردی نسبت به منافع اجتماعی شده است. در بخش سوم؛ نتیجه بررسی ساختار شکلی و توصیفی این مطالعات نشان داد ۵۸٪ این مطالعات در دوره زمانی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ انجام شده ۸۳٪ پژوهش‌ها از روش تحقیق کیفی و شیوه مطالعه اسناد و مدارک و کتابخانه‌ای و تنها ۱۷٪ از روش تحقیق کمی و مصاحبه و پرسشنامه استفاده کرده‌اند. به لحاظ ملی و فراملی بودن مطالعات نیز ۷۱٪ پژوهش‌ها ملی و ۲۹٪ فراملی بوده‌اند. از نظر هم‌نویسی و مشارکت هم پژوهش گروهی ۸٪ نسبت به پژوهش انفرادی بیشتر بوده است.

کلیدواژه‌ها: خصوصی‌سازی، آموزش عالی، آموزش عالی خصوصی، انواع خصوصی‌سازی، خصوصی‌سازی آموزش عالی

۱- مقدمه

خصوصی و پیروی از منطق بازار در تمام تصمیمات اقتصادی اطلاق می‌شود [۱]. در یک تعریف کلی، خصوصی‌سازی در آموزش عالی به فرآیند یا گرایشی گفته می‌شود که در آن مؤسسات آموزش عالی (اعم از دولتی و خصوصی)، سیاست‌ها و هنجارهای عملی بخش خصوصی را در پیش گیرند [۲]. عواملی از جمله رشد اقتصادی مبتنی بر اطلاعات، تغییر ترکیب جمعیتی، افزایش اقبال عمومی به آموزش، ظهور فناوری‌های جدید، همگرایی سازمان‌های مدرن و کاهش اعتماد مردم به عملکرد و اثربخشی دولت‌ها از دلایل اصلی

خصوصی‌سازی پدیده‌ای است که به واسطه تغییر سیاست‌گذاری بخش دولتی در زمینه سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال ایجاد می‌شود. خصوصی‌سازی در مفهوم گسترده آن به شیوه‌های کاهش نقش دولت و واگذاری آن به بخش

* نویسنده عهده‌دار مکاتبات: maryamghoraisi@yahoo.com

۱- این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان «آسیب‌شناسی پردیس‌های خودگردان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران - تابعه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری» می‌باشد. رساله مذکور از حمایت مالی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی برخوردار بوده است.

اصلی پژوهش اینگونه مطرح می‌شود که چه مباحث و مؤلفه‌هایی در زمینه خصوصی‌سازی آموزش عالی مورد توجه پژوهشگران این حوزه بوده است؟ نتایج مطالعات در زمینه خصوصی‌سازی آموزش عالی چه بوده است؟ و ساختار شکلی و توصیفی پژوهش‌های انجام‌شده چگونه بوده است؟ پژوهش حاضر، برای یافتن پاسخ این سؤال‌ها، به تحلیل مطالعات انجام‌شده در زمینه خصوصی‌سازی آموزش عالی می‌پردازد.

۲- مبانی نظری تحقیق

۲-۱ اهداف خصوصی‌سازی در آموزش عالی

بر اساس آئین‌نامه شورای عالی انقلاب فرهنگی، اهداف تأسیس مؤسسات آموزش عالی غیردولتی را می‌توان "ارتقاء سطح دانش و فرهنگ جامعه، تأمین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز کشور، پاسخگویی به عطش جامعه برای کسب علم، استفاده از همه مدرسان و استادان جامعه در امر آموزش عالی، ایجاد زمینه مناسب برای فعالیت همه‌جانبه مردم در امر گسترش و اعتلای دانش و پژوهش کشور" برشمرد.^۱ همچنین مهم‌ترین اهدافی که از نظر موافقان، ضرورت خصوصی‌سازی آموزش عالی را توجیه می‌کند افزایش کیفیت آموزش عالی، ارضای نیازهای متنوع دانشجویان، تنوع در محتوای آموزشی، تنوع در روش‌های عرضه مطالب، کاهش فشار ناشی از انتظار مردم از دولت و استحکام بیشتر نظام آموزش عالی است [۶].

به طور کلی، دلایل طرفداران خصوصی‌سازی مراکز آموزش عالی از یک سو، بر محور توجه بیشتر به مواردی از جمله تنگناهای آموزشی، رشد جمعیت متقاضیان آموزش، عدم تناسب هزینه‌های آموزشی با جمعیت متقاضیان، افت کیفی در مراحل تحصیلی، افزایش یارانه مربوط به آموزش طبقه فقیر جامعه از راه کاهش هزینه آموزش مربوط به افراد طبقه مرفه جامعه، شکوفایی استعداد بالقوه جامعه در بخش‌های فرهنگی و اجتماعی و نظایر آن و حذف تشکیلات غیرضروری و کاهش حجم دولت در بخش آموزش استوار است. از سویی دیگر، یکی از دلایل اصلی خصوصی‌سازی در آموزش عالی،

گرایش کشورهای در حال توسعه به خصوصی‌سازی آموزش عالی طی دو دهه اخیر بوده است [۳]. با توجه به اینکه خصوصی‌سازی یکی از روندهای اصلی روبه‌رشد آموزش عالی در دنیا بوده و این پدیده به سرعت در حال گسترش است هرچند شرایط خوبی برای پاسخگویی به تقاضاهای بیش از ظرفیت دانشگاه‌های دولتی را فراهم آورده اما تبعات و آثار منفی‌ای چون افزایش فشار اقتصادی به طبقات پایین‌تر جامعه و طبقاتی شدن آموزش به نفع طبقات بالای جامعه، کاهش کیفیت آموزشی را نیز به همراه داشته است [۵و۴]. شاید بتوان گفت آثار منفی مذکور، تبعات ملموس خصوصی‌سازی آموزش عالی است ولی خطر جدی ناشی از پدیده خصوصی‌سازی که موربان‌وار به جان آموزش عالی ایران افتاده این است که در آموزش عالی همه چیز بر حسب معیار اقتصادی سنجیده می‌شود و بر اساس چنین نگرشی، تعلیم و تربیت به خودی خود دارای ارزش نیست بلکه زمانی دارای ارزش است که منجر به سود و منفعت اقتصادی باشد.

از این رو، اهمیت آموزش و آموزش عالی و تبعات ناشی از خصوصی‌سازی در این بخش، ضرورت مطالعه و پژوهش در حوزه خصوصی‌سازی آموزش عالی را بیش از پیش نشان می‌دهد. لذا این پرسش مطرح می‌شود که تمرکز و توجه صاحب‌نظران و پژوهشگران حوزه آموزش عالی دنیا با توجه به گسترش بی‌رویه خصوصی‌سازی آموزش عالی طی دهه‌های اخیر و آثار و تبعات آن چه بوده و به چه مباحث و مؤلفه‌هایی پرداخته‌اند؟ اگرچه پژوهش‌هایی به صورت انفرادی و متفرقه، در حوزه خصوصی‌سازی آموزش عالی انجام شده ولی دسترسی آسان و آگاهی از نتایج به دست آمده در هر یک از این پژوهش‌ها، نیازمند پژوهش جامع‌نگر و عمیق روی مطالعات انجام‌شده در این حوزه می‌باشد. بر اساس آنچه گفته شد و همچنین اهمیت پژوهشی جامع‌نگر و عمیق روی مطالعات انجام‌شده در زمینه خصوصی‌سازی آموزش عالی و در راستای رفع مشکلات ناشی از خصوصی‌سازی آموزش عالی و نهایتاً ارائه راهکارهایی عملی برای کمک به تصمیم‌گیری‌های آینده سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزش عالی در حوزه خصوصی‌سازی، در پی مطالعه و بررسی وضعیت تولید آثار علمی مرتبط با خصوصی‌سازی آموزش عالی در خارج از کشور، سؤال‌های

۱- مصوبه ۴۱ جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی، مورخ ۱۳۶۴/۷/۲۳، شماره ابلاغ: ۳۳۷۴/دش، تاریخ ابلاغ: ۱۳۶۴/۸/۸

فوائد فردی از جمله افزایش درآمد، ایجاد شغل و سطح رفاه مادی فرد و غیره است. بنابراین کسانی که از این فوائد بهره‌مند می‌شوند باید هزینه دسترسی به آن را بپردازند و دولت موظف به تقبل این هزینه نیست [۷]. در پاسخ به دعای موافقان خصوصی‌سازی آموزش عالی، با استناد به تعریفی که از خصوصی‌سازی ارائه شد می‌توان گفت هنگامی که ماهیت اصلی خصوصی‌سازی، بازارگرا بودن و حاکمیت منطق بازار (رقابت برای کسب سود و درآمد) است چگونه می‌توان با خصوصی‌سازی آموزش عالی در کنار کسب سود و درآمد به اهداف والای آموزش عالی از جمله کیفیت آموزشی، برابری آموزشی و شکوفایی استعداد جامعه اندیشید. به عبارت دیگر، رقابت بر سر کسب سود و درآمد مانعی بزرگ در راه رسیدن به این اهداف است و چنانچه نگاهی واقع‌بینانه داشته باشیم در مسیر خصوصی‌سازی آموزش عالی؛ کیفیت، برابری و عدالت آموزشی و اعتلای دانش و پژوهش در جامعه، قربانی کسب درآمد و سود شده است. توجیه دیگر موافقان خصوصی‌سازی آموزش عالی، کاهش حجم دولت است در حالی که ما شاهد تصدی‌گری و دخالت‌های دولت نه حمایت، از مؤسسات آموزش عالی خصوصی هستیم. به طوری که این مؤسسات، فاقد استقلال و آزادی عمل در امور خود از جمله جذب هیأت علمی هستند. بنابراین نه تنها از حجم دولت کاسته نشده بلکه مؤسسات و مراکز آموزش عالی شکل گرفتند که نه می‌توان آنها را خصوصی و نه دولتی نامید بلکه به صورت "خصوصی" اداره می‌شوند. همچنین با توجه به اینکه ورود به مراکز آموزش عالی خصوصی متضمن پرداخت هزینه زیادی بوده و از عهده اقشار کم‌درآمد جامعه خارج است.

طبق نظریه بازتولید بوردیو، "با فراهم کردن شرایط مساعد برای طبقه ثروتمند جامعه با دستیابی به مراکز آموزش عالی، کسب مدرک و موقعیت شغلی با درآمد بالا، مسیر پیشرفت افراد طبقه بالای جامعه فراهم می‌شود. بر این اساس مراکز آموزش عالی به نوعی طبقات مرفه جامعه را بازتولید می‌کند. در نتیجه محرومیت قشر کم‌درآمد، این قشر همیشه محروم و قشر ثروتمند همیشه حاکم خواهد بود" [۸]. لذا ادعای فوائد فردی از جمله افزایش درآمد، ایجاد شغل و

سطح رفاه مادی افراد در سایه خصوصی‌سازی آموزش عالی برای همه اقشار جامعه صدق نمی‌کند. از طرف دیگر، خصوصی‌سازی آموزش عالی به سه دلیل مورد مخالفت قرار می‌گیرد: وجود نظام بازار آزاد، تضمین‌کننده سطح سرمایه‌گذاری اجتماعی مطلوب در آموزش عالی نمی‌باشد چرا که آموزش عالی یک کالای نیمه‌دولتی قلمداد می‌شود. همچنین نظام بازار در آگاه ساختن مصرف‌کننده از هزینه‌ها و فوائد آموزش عالی ناتوان است. از طرفی احتمالاً هزینه‌های آموزش خصوصی بیشتر از آموزش دولتی است و نهایتاً آموزش عالی خصوصی نقشی در توزیع امکانات اقتصادی و اجتماعی ندارد اما در برابری‌های اقتصادی و اجتماعی مؤثر است. بر این اساس، آموزش عالی خصوصی نه تنها بر آموزش دولتی برتری ندارد بلکه مؤسسات خصوصی نیز بدون حمایت دولت قادر به ادامه کار نخواهند بود [۹].

با نگاهی به اهداف خصوصی‌سازی آموزش عالی، به روشنی می‌توان دریافت که روند حرکت خصوصی‌سازی در آموزش عالی به نحوی بوده که از اهداف اصلی خود دور شده و خلاف اهداف حرکت کرده است. به طور مثال، یکی از اهداف خصوصی‌سازی آموزش عالی پاسخگویی به عطش جامعه برای کسب علم می‌باشد اما واقعیت جامعه نشان می‌دهد نه تنها گسترش خصوصی‌سازی، فرصت برابر آموزشی را برای علاقه‌مندان ورود به آموزش عالی ایجاد نکرده بلکه فقط این امکان را برای ورود اقشار پُردرآمد جامعه به آموزش عالی مهیا نموده که این مسأله، نابرابری و بی‌عدالتی آموزشی را نیز به همراه داشته است. لذا می‌توان گفت مسیر ترسیم‌شده برای اجرای خصوصی‌سازی آموزش عالی، از ابتدا نادرست بوده است. چرا که از تبدیل آموزش عالی به بنگاه اقتصادی که هدفی جز کسب سود و درآمد ندارد نمی‌توان انتظار اعتلای پژوهش و آموزش و رفع تنگنای آموزش را داشت و حاصل پیمودن مسیر اشتباه خصوصی‌سازی آموزش عالی چیزی غیر از حاکمیت تفکر کسب سود، روحیه بازاری و نگاه به دانشجو به عنوان مشتری و ناکارآمدی آموزش عالی در پاسخگویی به نیازهای جامعه و بازار کار نخواهد بود.

۲-۲ انواع خصوصی‌سازی در آموزش عالی

مهمترین انواع خصوصی‌سازی در آموزش عالی عبارتند از:

باید در نظر داشت همین وامداری دانشگاه به شرکت‌ها، تبعات ناخوشایندی در پی دارد که می‌تواند تحقیقات و حتی نتایج تحقیقات را تابع منافع شخصی و اقتصادی سازد.

۲-۲-۴ مؤسسات خصوصی: به نظر می‌رسد که تأسیس و رشد دانشگاه‌های خصوصی کامل‌ترین و روشن‌ترین شکل خصوصی سازی باشد. با توجه به قدرت انحصاری دولت، مؤسسات خصوصی دست کم نیاز به تسامح و شکیبایی دارند. آنها بطور معمول باید مجوز و موقعیت قانونی احراز نمایند. دانشگاه‌های خصوصی عموماً با مؤسسات بازرگانی خصوصی متفاوت هستند. احراز موقعیت غیرانتفاعی و اینکه مؤسسات غیرانتفاعی، باید هرگونه سودی را در جهت ارتقاء سطح آموزش، تحقیقات یا حداقل امور رفاهی به کار بندند [۱۳] تناقضی است که در نام مؤسسات غیرانتفاعی و فعالیت انتفاعی این مؤسسات وجود دارد چرا که در حال حاضر در کشور ما، مؤسسات غیرانتفاعی تبدیل به بازاری برای کسب سودهای سرشار شده است. به طوری که حتی حذف نام غیرانتفاعی از این مؤسسات نیز منجر به اصلاح ساختار و پایان دادن به این تناقض نخواهد بود.

با توجه به انواع خصوصی سازی آموزش عالی، می‌توان گفت علاقه و تمایل دولت‌ها به خصوصی سازی به طور عمده از هزینه‌های بالا و فزاینده آموزش عالی ناشی شده و شهریه دانشجویی، روش‌های تجاری و سایر راه‌ها می‌توانند به عنوان جایگزینی برای اعتبارات دولتی باشند. بدیهی است ترکیبی از اعتبارات دولتی و خصوصی، نسبت به هر کدام به طور مستقل در دانشگاه‌ها، می‌تواند منابع مالی گسترده‌ای را فراهم نماید و فضای رقابتی‌ای را برای کارآمدتر کردن دانشگاه‌ها بوجود آورد اما باید بدانیم که هر یک از این راه‌ها در کنار آثار و نتایج مثبت خود، عواقب منفی نیز دارا هستند. لذا جلوگیری از حکمفرمایی رفتارهای شبه‌بازاری، مشتری‌مداری و روش‌های سودجویانه حاکم بر بازار در آموزش عالی به ویژه در دانشگاه‌ها ضرورت و اهمیت دارد.

۲-۳ الگوهای خصوصی سازی آموزش عالی در دنیا

با توجه به روند متفاوت خصوصی سازی آموزش عالی در اغلب کشورهای دنیا، جهت آگاهی از تجارب مختلف کشورها سعی شده به نمونه‌های مختلفی از کشورها در مقیاس بزرگ و کوچک پرداخته شود.

۲-۲-۱ آزادسازی^۱: آزادسازی لزوماً شامل انتقال مالکیت از بخش دولتی به بخش خصوصی نیست و بیشتر به ایجاد رقابت میان مؤسسات دولتی و خصوصی می‌پردازد. هدف اصلی آزادسازی کاهش عدم کارایی رایج در انحصارهای دولتی و خصوصی بوده است. به طور نمونه، یکی از روش‌های آزادسازی در سال ۱۹۹۱ در برخی از مناطق انگلستان درباره آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اجرا شد و به دانشجویان علاقه‌مند به کسب آموزش، کوپن‌هایی داده می‌شد تا به انتخاب خود، در هر مؤسسه‌ای که مایلند ثبت‌نام کنند و مؤسسات آموزشی می‌بایست برای جذب دانشجویان و دریافت کوپن‌های آنها، در یک بازار رقابتی با هم به رقابت بپردازند.

۲-۲-۲ شهریه تحصیلی: خصوصی سازی از طریق دریافت شهریه ساده‌ترین شکل و به این معناست که دانشجویان وجه معینی را در برابر خدمات آموزشی بپردازند تا مؤسسات آموزشی با اتکاء به این درآمد و دیگر منابع اعتباری، عایداتی کسب کنند که آنها را از زیر فشارهای مالی برهاند [۱۰]. با وجودی که دریافت شهریه در آموزش عالی، یکی از ساده‌ترین راه‌های تأمین منابع مالی است اما با توجه به عدم توزیع عادلانه درآمدها در جامعه، اقشار کم‌درآمد جامعه به دلیل عدم توانایی پرداخت شهریه، از دسترسی به آموزش عالی محروم می‌شوند که این با عدالت آموزشی در تناقض است.

۲-۲-۳ روش تجاری سازی: این روش ناظر بر فعالیت‌هایی است که به منظور جذب منابع خارجی از جانب دانشگاه صورت می‌پذیرد. این فعالیت‌ها دربرگیرنده کنش‌های مبتنی بر نیازهای بازار است که هم به منظور کسب سود انجام گرفته و مواردی چون واگذاری حق ثبت اختراع، اعطاء گواهینامه و تأسیس شرکت‌های زایشی را دربر می‌گیرد و هم رفتارهای شبه‌بازاری را شامل می‌شود که به منظور رقابت بر سر جذب منابع رخ داده و الزاماً با هدف کسب سود دنبال نمی‌شود [۱۱]. به طور کلی، تحولاتی از جمله جهانی شدن، افزایش رقابت فناورانه و افزایش هزینه‌های ملی و جهانی، دانشگاه‌ها را وادار به خودکفایی مالی از طریق تجاری سازی فعالیت‌های خود کرده است [۱۲]. علیرغم اینکه تجاری سازی می‌تواند راهی برای جذب منابع توسط دانشگاه‌ها باشد اما

۲-۳-۱ ژاپن: آموزش عالی خصوصی در ژاپن در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ به اتکاء دریافت شهریه و در رقابت با یکدیگر برای کسب موقعیت و پول بیشتر، بسیار سریع رشد کرد. در اواخر دهه ۱۹۶۰ علیرغم دریافت شهریه گزاف، در پی ورشکستگی مالی و فکری بخش خصوصی، اعتراضات شدید دانشجویی و نارضایتی عمومی از شهریه‌ها افزایش یافت که دولت ناگزیر به مداخله شد و این مداخله، وضع مقررات را به دنبال داشت. رعایت حداقل مقررات و استانداردها در برابر دریافت کمک‌های نقدی دولتی همراه با اعتبارات واقعی، مانع افت استانداردها و موجب بقاء حیات مالی قسمت عمده بخش خصوصی شد به طوری که به تدریج در برنامه‌ریزی‌های دولتی مربوط به امور آموزشی و اجتماعی، بخش خصوصی به حساب آورده شد [۱۰].

۲-۳-۲ روسیه: در کشور روسیه از آغاز دهه ۱۹۹۰ مهم‌ترین بخش توسعه، شکل‌گیری آموزش عالی خصوصی و غیردولتی و تمایل به سازوکار بازار و خصوصی کردن سیستم‌ها بوده است. لذا از سال ۱۹۹۲ ایجاد این مؤسسات قانونی شده و تعداد آن به ۴۰۰ دانشگاه می‌رسد. بین سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۸ میزان رشد مؤسسات خصوصی برابر ۵۰ مؤسسه در سال بوده اما پس از سال ۱۹۹۸ به علت بحران‌های اقتصادی، رشد این مؤسسات ثابت مانده است [۱۳]. علیرغم رشد کمی دانشگاه‌های خصوصی در روسیه، بر اساس "نظام رتبه‌بندی شانگهای"، دانشگاه دولتی مسکو تنها دانشگاه روسیه است که در فهرست بهترین دانشگاه‌های جهان قرار دارد.

۲-۳-۳ استرالیا: رکود اقتصادی و تحولات سیاسی دهه ۱۹۸۰، همانند سایر کشورها کاهش رشد اعتبارات آموزش عالی استرالیا را هم به دنبال داشت ولی تقاضای ورود به آموزش عالی و تمایل مؤسسات آموزشی در هزینه کردن، روبه‌رشد بود. دولت به امید دستیابی بیشتر مردم به آموزش عالی و برابری آن، بررسی اقدامات مختلف خصوصی‌سازی را آغاز و خصوصی‌سازی در استرالیا طی دهه ۱۹۹۰ آغاز شد و از این دهه به بعد، بیشتر مؤسسات عمده آموزش عالی به فعالیت‌های توسعه‌ای و بازاریابی برای ذخایر فکری و محصولات حاصل از آن می‌پردازند [۱۰].

۲-۳-۴ ترکیه: در دهه ۱۹۶۰ با توجه به توسعه سیاست‌های آموزشی لیبرالی، بخش خصوصی اجازه فعالیت در برنامه‌های آموزشی را پیدا کرد. لیکن در همان سال‌های آغازین طرح، این مؤسسات با مشکلات مالی و کیفی زیادی روبه‌رو شدند و به تدریج اعتبار علمی و اجتماعی خویش را از دست دادند. در سال ۱۹۷۱ همه این مؤسسات زیر نظر دانشگاه‌های دولتی درآمدند و همگی آنها دولتی شدند. در سال ۱۹۸۴ افزایش تقاضا برای آموزش عالی باعث احیاء مجدد این مؤسسات و تأسیس اولین دانشگاه خصوصی شد. پس از سال ۱۹۹۹ بخش خصوصی به شدت گسترش یافت به طوری که هم‌اکنون بخش خصوصی ۷/۵٪ از کل ثبت‌نام آموزش عالی ترکیه را پوشش می‌دهد.

۲-۳-۵ فنلاند: تغییرات سیاسی و اقتصادی در سال ۱۹۹۰، آموزش عالی فنلاند را دستخوش تغییرات زیادی کرد و باعث توسعه آموزش عالی به خصوص از طریق مؤسسات غیردولتی شد به طوری که در سال ۲۰۰۵ نسبت به سال ۱۹۹۰، تعداد دانشجویان در مؤسسات آموزش عالی خصوصی ۳۸٪ افزایش داشته و از ۲۷ مؤسسه آموزش عالی فنلاند تعداد ۱۲۷ مؤسسه دولتی و تعداد ۳۰۱ مؤسسه خصوصی بوده‌اند [۱۳].

علیرغم تفاوت در شیوه یا سطح خصوصی‌سازی آموزش عالی در دنیا، به نظر می‌رسد خصوصی‌سازی یکی از اصلی‌ترین راهکارهای گسترش کمی آموزش عالی است و این پدیده در بسیاری از نقاط دنیا با رشد و گسترش سریع همراه است. اما واقعیت مهم این است که پیامدهای منفی خصوصی‌سازی هنگامی رخ می‌نماید که بدون توجه به شرایط ویژه هر کشور، پیش‌نیازهای ضروری برای اجرای این سیاست تأمین نشده باشد. چنانچه در الگوهای خصوصی‌سازی دنیا به آن اشاره شد با توجه به آثار و پیامدهای منفی ناشی از خصوصی‌سازی آموزش عالی و به دلیل عدم وجود زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی لازم همچون غیرعادلانه بودن توزیع درآمدها در کشورها، مغایرت با عدالت اجتماعی و تأثیرگذاری منفی بر کیفیت آموزش عالی، می‌توان نتیجه گرفت که روند گسترش خصوصی‌سازی آموزش عالی باید با تأمل بیشتر و توجه به شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور انجام شود.

۱- بر اساس رتبه‌بندی دانشگاه‌های جهان که توسط دانشگاه «ژیاتونگ شانگهای» در سال ۲۰۱۵ انجام شده است.

۳- پیشینه پژوهش

علیرغم اینکه در زمینه خصوصی سازی آموزش عالی، پژوهش های متعددی در کشور و خارج از کشور انجام شده اما تاکنون، پژوهشی جامع که به تحلیل مقالات خصوصی سازی آموزش عالی ایران و دنیا بپردازد انجام نشده است. لذا در این بخش، به اختصار به نتایج مقالاتی در زمینه آموزش عالی و خصوصی سازی آموزش عالی می پردازیم.

نتایج پژوهش لیرا^۱ [۱۴] در بررسی چالش های آموزش عالی در مؤسسات خصوصی کشور اتیوپی، نشان می دهد خصوصی سازی آموزش عالی، پیامدهایی همچون افزایش نابرابری های اجتماعی و به دنبال آن طبقاتی شدن آموزش، نابرابری در دسترسی به فرصت های آموزشی، کاهش کیفیت آموزشی، افزایش نرخ بیکاری، انگیزه های سودجویانه و تغییر در سلسله مراتب اجتماعی به نفع طبقات بالای جامعه را در پی داشته است. همچنین ربیعی و نظریان [۱۵] به بررسی چالش های خصوصی سازی آموزش عالی (مطالعه تطبیقی در چهار کشور برزیل، هند، اوکراین و ایران) پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان می دهد که چگونگی حمایت مالی از دانشجویان، نگرانی از کیفیت آموزش و پژوهش در دانشگاه ها و کیفیت کاری استادان، از مهم ترین چالش ها می باشند. منتظر و فلاحی [۱۶] نیز در مقاله خود با عنوان "ارزیابی سناریوهای آموزش عالی جهان در افق ۲۰۲۵" بیان می کنند که آینده آموزش عالی از روندهای مختلفی مانند افزایش تعداد دانشجویان بین المللی، دگرگون شدن وضعیت فیزیکی دانشجویان، چندفرهنگی شدن، تجاری شدن آموزش عالی و تلاش برای ایجاد بازارهای رقابتی در زمینه آموزش عالی، کاهش سطح بودجه در آموزش عالی، افزایش توقعات درباره کیفیت آموزش و توسعه همکاری های بین المللی در آموزش عالی، تأثیر می پذیرد.

از آنجا که یکی از مهم ترین موارد تأثیرگذار در آینده آموزش عالی، وضعیت دانشجویان، رقابتی شدن و افزایش توقعات درباره کیفیت آموزش است و اینکه خصوصی سازی آموزش عالی ارتباط تنگاتنگی با موارد مذکور دارد می توان تأثیر خصوصی سازی را در آینده آموزش عالی پیش بینی کرده و نسبت به رفع یا کاهش پیامدهای ناشی از آن تلاش کرد.

۴- روش پژوهش

روش انجام پژوهش حاضر، توصیفی-تحلیلی است. بر این اساس، پس از مراجعه به پایگاه های اطلاعاتی معتبر کتابخانه دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی، ۳۳ مجله تخصصی در حوزه آموزش عالی، ۲۴ عنوان سند علمی شامل ۱۸ مقاله، ۵ کتاب و یک پایان نامه در زمینه آموزش عالی خصوصی استخراج و مورد مطالعه قرار گرفت. شایان ذکر است جهت دسترسی به منابع جدیدتر و به روز در زمینه خصوصی سازی آموزش عالی، محدوده زمانی مورد بررسی پژوهش حاضر از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ انتخاب شد. فرایند جستجو و انتخاب آثار علمی مورد نظر در سه گام انجام گرفت. گام اول؛ انتخاب کلیدواژه های مناسب بود به طوری که بتواند تا حد امکان تمام پژوهش های انجام شده را دربر گیرد. به این منظور براساس روش های گردآوری اطلاعات در پژوهش های کیفی، کلیدواژه های خصوصی سازی^۲، نظام آموزشی^۳، آموزش عالی^۴، آموزش عالی خصوصی^۵، مؤسسات آموزش عالی خصوصی^۶، دانشگاه خصوصی^۷، اهداف خصوصی سازی^۸ و انواع خصوصی سازی^۹ انتخاب شدند. درگام دوم؛ نتایج حاصل از جستجوی هر کلیدواژه، در قسمت عنوان و چکیده مورد ارزیابی اولیه قرار گرفته و آثار علمی در زمینه خصوصی سازی آموزش عالی جدا شدند. گام سوم؛ آثار علمی گردآوری شده در تمامی پایگاه های اطلاعاتی بازبینی و پس از حذف موارد مشابه و تکراری در نهایت ۱۸ مقاله، ۵ کتاب و یک پایان نامه انتخاب شدند. لازم به ذکر است هر گام، مورد بازبینی حداقل دو نفر از نویسندگان مقاله قرار گرفته است.

۵- یافته های پژوهش

۱-۵ مباحث و مؤلفه های مورد توجه مطالعات

۱-۱-۵ چرایی خصوصی سازی آموزش عالی

2- Privatization
3- Educational System
4- Higher Education
5- Private Higher Education
6-Private Institutions of Higher Education
7- Private University
8- Privatization Targets
9- Kinds of Privatization

توسعه یافته فرصتی مناسب برای ایجاد تحول در اقتصاد است اما هنوز جایگاه واقعی خود را نیافته است. اجرای این امر در کشورهای پیشرفته به لحاظ اقتصادی از جمله آمریکا، روسیه، ژاپن و استرالیا منجر به کاهش حوزه فعالیت دولتی، انتقال مالکیت و کنترل اقتصادی، افزایش کارایی و تعدیل یارانه‌ها گردیده است [۲۰]. علیرغم حمایت و توجه بانک جهانی از خصوصی سازی، این رویکرد مورد مخالفت واقع شده است. چنانچه به اعتقاد پاکزوسکا^۱ [۲۱]، ارزش‌های حاکم بر مراکز خصوصی آموزشی، ارزش‌های خاص و بیشتر محدود به رضایت فراگیران است در حالی که ارزش‌های حاکم بر مراکز آموزشی دولتی جنبه مردمی و عام دارد و ارزش‌های عام موجب بهبود عملکرد می‌شود و ارزش‌های خاص نمی‌تواند موجبات بهبود عملکرد مراکز خصوصی آموزشی را فراهم کند. همچنین وی معتقد است کارکرد مراکز خصوصی تا حد زیادی به تقاضای بازار بستگی دارد و تابع میزان سرمایه‌گذاری متقاضیان است. بنابراین در صورت کاهش تقاضا، تأکید بر کیفیت، خودبه‌خود جای خود را به تأکید بر کمیت می‌دهد.

در پی چرایی خصوصی سازی آموزش عالی، آنچه واضح و مبرهن است خصوصی سازی‌ها در آموزش عالی، اگر چه در حیطه اقتصادی و مالی به وجود می‌آیند اما در همان حیطه محدود نمانده و به سرعت خود را گسترش می‌دهند. هرچند دلایل روی آوردن دنیا به خصوصی سازی آموزش عالی (کمبود بودجه و افزایش تقاضا) در ابتدا از جنس اضطرار تلقی می‌شوند اما آنچه نگران‌کننده به نظر می‌رسد علت آغاز این سیاست، عمدتاً کمبود بودجه و افزایش سطح دسترسی متقاضیان بیان می‌شود ولی چنانچه چرایی خصوصی سازی آموزش عالی به طور شفاف بیان نشود به گونه‌ای شتابان، رو به جلو گسترش می‌یابد و ممکن است پای تصمیم‌سازی‌های اقتصادی و سیاسی کشورها هم در آن به میان آید.

۵-۱-۲ اهداف خصوصی سازی

مهم‌ترین اهداف خصوصی سازی در خارج از ایران را می‌توان کاهش هزینه‌های بودجه‌ای دولت، توسعه و رقابت و بهبود کارایی سازمان، توسعه و رشد بازارهای سرمایه، به حداقل رساندن دخالت دیوانسالارانه دولت در فعالیت‌ها و تحصیل

خصوصی سازی در دنیای امروز به عنوان یک استراتژی سیاسی برای توسعه آموزش، اهمیت بیشتری پیدا کرده است. این اهمیت از یک طرف به دلیل تورم و در بعضی از کشورها، کسری بودجه دولتی آموزش و پرورش است و از طرف دیگر افزایش تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی و ظهور اندیشه عمومی "رفتن به آموزش عالی برای همگان می‌باشد" است که البته میزان اهمیت این دلایل در همه کشورها یکسان نیست [۱۷].

بر این اساس، رشد خصوصی سازی آموزش عالی طی دو تا سه دهه گذشته در کشورهای جهان قابل توجه بوده است. تعداد کالج‌ها و دانشگاه‌های خصوصی افزایش یافته و افزایش نرخ ثبت‌نام در مؤسسات خصوصی سریع‌تر از ثبت‌نام در مؤسسات دولتی بوده است. به عنوان مثال نرخ رشد آموزش عالی دولتی از اواسط سال ۱۹۶۰ تا اواسط سال ۱۹۷۰ در کلمبیا ۱/۷٪ و در پرو ۲/۰٪ بوده است. تقاضاهای فزاینده و متفاوت برای آموزش عالی، در دو مقوله قابل بررسی است: نخست آنکه تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی بر تعداد مراکز آموزش عالی دولتی فزونی دارد و بخش خصوصی تلاش می‌کند بخشی از این تقاضاها را پاسخ دهد. دوم، تقاضاهای متنوع و متفاوت برای برخی آموزش‌ها نظیر آموزش مذهبی، زمینه‌ساز افزایش خصوصی سازی است [۱۸]. بر این اساس، خصوصی سازی اگرچه یک پدیده جهانی قدرتمند و چندوجهی در بسیاری زمینه‌ها و در برنامه‌ریزی و سیاست اغلب کشورها است ولی به مانند زمینه‌های دیگر رخ می‌دهد. خصوصی سازی در آموزش عالی به دو شکل رخ می‌دهد: یکی افزایش واگذاری بخش دولتی به بخش خصوصی و دیگر رشد بخش خصوصی. همچنین به عنوان سیاست غالب نسبت به سایر زمینه‌ها، دیده می‌شود که خصوصی سازی آموزش عالی، خصوصاً در سه دهه آخر قرن بیستم مورد توجه بوده است [۱۹]. امروزه روند خصوصی سازی به صورت بخش مهمی از مجموعه تحولات جهانی مطرح است و به عنوان یکی از شاخص‌های اصلاحات در کنار شاخص‌های دیگر مانند رشد تولید ناخالص ملی، تراز پرداخت‌ها و مانند آن در جهت توسعه کشورها مورد توجه سازمان‌های بین‌المللی همچون بانک جهانی قرار گرفته است. خصوصی سازی در کشورهای کمتر

است حتی اگر در حالتی خوش بینانه، چنانچه از طریق خصوصی سازی این امر محقق نیز بشود چه تضمینی وجود دارد که دولت ها و حکومت ها، منافع حاصل از این صرفه جویی ها را صرف برنامه های جاه طلبانه خود نکرده و به صرف خدمات عمومی برسانند.

اما علیرغم این مزایا، اجرای سیاست های بازار در بخش آموزش عالی با مشکلات ذاتی خود روبه روست زیرا علاوه بر بحث های اقتصادی، بحث های مساوات و عدالت و همچنین کیفیت و نظارت دولت هم در این میان باقی است به طوری که نقش نظارت دولت در این بخش اجتناب ناپذیر است و این که آیا مراجع خصوصی قادر باشند بهبود و کارایی آموزش عالی را تضمین نمایند هنوز محل مناقشه و نیازمند بررسی بیشتری است. همچنین با استفاده از مدل خصوصی سازی، تغییرات ساختاری، کنترل و پاسخگویی دستخوش تغییر قرار می گیرند. یکی دیگر از آسیب های احتمالی خصوصی سازی، ایجاد انگیزه دست زدن به فروش سؤالات امتحانی، پایان نامه و اخذ نمره بدون داشتن معلومات کافی در دانشجویان است [۲۴]. بر این اساس، می توان گفت علیرغم اینکه ایفای نقش دولت در بخش خصوصی اجتناب ناپذیر است اما تصدی گری و دخالت نباید جایگزین نقش نظارتی دولت در مراکز خصوصی آموزش عالی شود. همچنین ضروری است جهت جلوگیری یا کاهش آسیب های ناشی از خصوصی سازی، با ایجاد مراکز پایش و ارزیابی، اعتبارسنجی و سنجش کیفیت در این مراکز همچنان توسط دولت انجام شود. چنانچه به اعتقاد منتظر و همکارش [۱۶] "یکی از مواردی که آینده آموزش عالی از آن متأثر خواهد بود افزایش توقعات درباره کیفیت آموزش است".

۱-۴ انواع مؤسسات آموزش عالی خصوصی

انواع مختلف مؤسسات آموزش عالی خصوصی در دنیا را می توان بدین شرح برشمرد: نوع اول، مؤسسات آموزش عالی کاملاً خصوصی که در آن مؤسسه تحت نظارت اداره بخش خصوصی است و دولت مداخله اندکی در اداره آن دارد. اینگونه مؤسسات که از لحاظ مالی مستقل هستند در گسترش آموزش عالی به دولت کمک می کنند. نوع دوم، مؤسساتی که هزینه کامل خود را از استفاده کنندگان نظیر دانشجویان، کارفرمایان یا هر دو تأمین می کنند. به لحاظ نقشی که آموزش

درآمدهای ناشی از سرمایه گذاری برشمرد. با این اهداف، دولت کارایی سازمان اقتصادی را بالا برده و به تبع آن از این افزایش کارایی نیز بهره می برد. از آنجا که امروزه بهره وری به معنی "استفاده بهینه از منابع سازمان جهت دستیابی به کارایی و اثربخشی"، به عنوان شاخصی در مدیریت اثربخش هر سازمانی محسوب شده و بهره وری پائین دستگاه های دولتی و اتلاف منابع در این بخش از چالش های جدی چند سال اخیر نظام مدیریت کشورها بوده به طوری که یکی از اهداف اصلی دولت ها افزایش بهره وری برای مقابله با این مشکل می باشد و بخش آموزش عالی نیز از این قاعده مستثنی نبوده چرا که اتلاف منابع در این بخش هم وجود داشته و نشان از بهره وری پائین در آموزش عالی است [۲۲]. شایان ذکر است این امر در مورد کشوری چون ایران، لزوماً صادق نیست. در واقع بخش هایی از دولت مثل آموزش و پرورش و آموزش عالی تا حدودی از این قاعده مستثنی هستند و تمام آسیب هایی که طی این سالیان به دلیل پیدایش مؤسسه های به اصطلاح غیرانتفاعی و دانشگاه های خصوصی و آزاد به آموزش و پرورش و آموزش عالی وارد شده و تبعات هولناک تربیت نسلی از جوانان نه چندان باسواد دارای مدارک تحصیلی بالا و افزایش سطح توقعات توده ها به نسبت این مدارک عموماً بی اعتبار، همه از تبعات چنین نگرشی هستند. تصدی بخش هایی از دولت نباید به بخش خصوصی واگذار شود و آموزش عالی نیز از این همین قسم است و شایسته نیست کشوری با منابع نفتی، گازی و مالی فراوان، از ناتوانی مالی و متوسل شدن به خصوصی سازی جهت جبران ناتوانی دولت در تأمین منابع مالی آموزش عالی سخن بگوید.

۱-۳ مزایا و آسیب های خصوصی سازی آموزش عالی

مطالعات نشان می دهند خصوصی سازی به معنای کوچک شدن دولت از طریق واگذاری بخشی از تصدی امور اجرایی خود به بخش خصوصی، صرفه جویی در صرف مالیات ها و درآمد عمومی دولت در تولید مستقیم خدمات در جامعه، تلاش برای به دست آوردن سهم بیشتر بازار و رقابت با یکدیگر، کاهش هزینه ها و یا از طریق ارائه خدمات با کیفیت بالاتر، افزایش بهره وری را به دنبال خواهد داشت که نهایتاً با ایجاد عرضه کنندگان متفاوت و متعدد، حق انتخاب بیشتری برای مصرف کننده به وجود خواهد آورد [۲۳]. شایان ذکر

در اداره آموزش عالی و اجرای قوانین و مقررات و آئین‌نامه‌های خاص خود را می‌طلبد. در این صورت است که خصوصی‌سازی آموزش عالی مفهوم واقعی خود را پیدا خواهد کرد.

۲-۵ نتایج مطالعات انجام‌شده در زمینه خصوصی‌سازی آموزش عالی

مطالعه [۲۶] نشان می‌دهد که کیفیت آموزش عالی خصوصی در مقایسه با دولتی مورد مبالغه قرار گرفته است. چنانچه در ژاپن برخی دانشگاه‌های دولتی از جمله دانشگاه توکیو تسهیلات بهتری در رابطه با کیفیت آموزش در مقایسه با دانشگاه‌ها و کالج‌های خصوصی فراهم می‌سازد [۲۲] و یا نسبت دانشجویان به استاد در دانشگاه‌های دولتی هشت به یک است در حالی که در دانشگاه‌های خصوصی ۲۶ به یک است [۱۹]. همچنین در ژاپن سرانه فضای هر دانشجوی و تسهیلات دیگر در مؤسسات آموزش عالی دولتی بیشتر از مؤسسات خصوصی است [۲۷]. در دانشگاه‌های خصوصی ژاپن، کلمبیا، برزیل، آرژانتین، اندونزی و بسیاری دیگر از کشورها، بیشتر از افراد بازنشسته، پاره‌وقت و با صلاحیت تدریس کمتر استفاده می‌شود [۲۸] و معمولاً به استادان حقوق و مزایای کمتری پرداخت می‌شود [۱۴]. شواهد حاکی از آن است که صرفاً دانشگاه‌های آمریکا هستند که تفاوت‌های کیفی در آنها به نفع دانشگاه‌های خصوصی است و دانشجویان دانشگاه‌های خصوصی در امتحانات نتایج بهتری کسب می‌کنند که این نیز به دلیل آن است که دانشگاه‌های خصوصی آمریکا، دانشجویان را به نحو مناسب‌تری آماده می‌سازند [۲۸]. هرچند بر اساس نشریه خبر و گزارش جهانی^۲، در سال‌های اخیر دانشگاه‌های دولتی آمریکا نیز در فهرست دانشگاه‌های برتر دنیا قرار گرفته‌اند.

به طور گسترده‌ای این باور وجود دارد که دانش‌آموختگان دانشگاه‌های خصوصی از مزایای بالاتری از جمله نرخ بیکاری کمتر [۲۵]، مشاغل بهتر و متعاقباً درآمدهای بیشتر برخوردارند [۲۹]. اما مطالعات این باور را تأیید نمی‌کند. چنانچه در فیلیپین نرخ بیکاری میان دانش‌آموختگان

عالی در بازار کار دارد این نوع خصوصی‌سازی ممکن است به لحاظ تجربی عملی نباشد [۱۴] نوع سوم، نوع میانه‌ای از خصوصی‌سازی وجود دارد که در آن دولت آموزش عالی را ارائه می‌دهد و لیکن سهم قابل توجهی از منابع مالی را بخش غیردولتی تأمین می‌کند. از آنجایی که آموزش عالی یک کالای نیمه‌دولتی است لذا تأمین مالی صد در صد آن به لحاظ اقتصادی قابل توجیه نمی‌باشد و همچنین افراد از آموزش عالی منفعی به دست می‌آورند از این رو معقول نخواهد بود که آنان سهمی از هزینه‌ها را بر عهده نداشته باشند. بنابراین دولت، دانشجویان و خانواده آنان بودجه عمومی آموزش عالی را تأمین می‌کنند [۲۵]. البته در کشوری چون ایران، خانواده‌ها علیرغم سهم کمی که از درآمدهای ملی چون فروش نفت دارند در عمل این سهم را پیش‌تر پرداخته‌اند و چنین بازپرداختی چندان عادلانه نیست.

"خصوصی‌سازی المثنی"^۱ نوع دیگری از مؤسسات آموزش عالی خصوصی است که واقعاً نمی‌توان آن را خصوصی‌سازی نامید. هرچند این نوع مؤسسات توسط گروه‌های خصوصی تأسیس می‌شوند اما از کمک‌های دولت بهره‌مند می‌گردند و هزینه‌های خود را از دولت تأمین می‌کنند. بخش قابل توجهی از مؤسسات آموزش عالی در کشورهای مختلف جهان اینگونه هستند و تقریباً برای تأمین کلیه هزینه‌های جاری از منابع دولتی استفاده می‌کنند [۲۵]. در واقع اینگونه مؤسسات، محل بسیار خوبی برای ایجاد انواع رانت‌های دولتی است.

دسته‌بندی مؤسسات آموزش عالی خصوصی در دنیا نشان می‌دهد هرچند یکی از اهداف اصلی خصوصی‌سازی آموزش عالی، کم کردن بار مالی آموزش عالی از دوش دولت‌ها و کوچک کردن بخش دولتی بوده است اما شواهد حاکی از آن است که بحث کنترل و نظارت دولت و خصوصی‌سازی آموزش عالی آن چنان در هم تنیده شده که کشورها ناگزیر از خصوصی‌سازی آموزش عالی در سایه دولت‌ها هستند. بر این اساس می‌توان گفت میزان تصدی‌گری دولت‌ها به لحاظ واگذاری اهداف و رسالت‌های آموزش عالی به بخش خصوصی در کشورها متفاوت است. از این رو، چنانچه به دنبال خصوصی‌سازی آموزش عالی به دور از حمایت‌ها و کنترل دولت‌ها هستیم وجود استقلال کامل بخش خصوصی

۲- نشریه U.S. News & World Report هر ساله فهرستی از برترین دانشگاه‌های جهان منتشر می‌کند که رتبه دانشگاه‌های برتر آمریکا در سال ۲۰۱۵ نیز در آن قرار دارد.

و بالاخره، نتایج مطالعات نشان می‌دهد مؤسسات خصوصی عموماً با بهره‌گیری از شهریه‌های دانشجویان یا کمک‌های دولتی تأسیس و مؤسسات اندکی با منابع شخصی ایجاد می‌شوند [۲۰]. این مؤسسات در واقع مانند بازار آزاد عمل می‌کنند و کلیه هزینه‌ها و منافع آن را از منابع دیگر تأمین می‌کنند [۳۴]. به طور مثال، در کشور ژاپن ۷۰٪ از هزینه‌های مؤسسات خصوصی توسط شهریه‌ها تأمین می‌شوند. در کشور کره نیز این سهم ۸۲٪ است و سهم منابع مالی دیگر نظیر وقف و بخشش چشم‌گیر نمی‌باشد. همچنین در ایالات متحده آمریکا سهم هزینه‌های بخش خصوصی، یک‌سوم کل هزینه‌ها را تشکیل می‌دهد [۲۴]. لذا می‌توان گفت اغلب مؤسسات آموزش عالی خصوصی در سراسر دنیا تنها به فعالیت‌های آموزشی سودآور می‌پردازند [۳۱].

بر اساس نتایج مطالعات می‌توان گفت خصوصی سازی آموزش عالی در دنیا در کنار پاسخگویی به تقاضاهای روزافزون و تأمین منابع مالی، پیامدهایی همچون افزایش نابرابری‌های اجتماعی و به دنبال آن طبقاتی شدن آموزش، نابرابری در دسترسی به فرصت‌های آموزشی، کاهش کیفیت آموزشی، افزایش نرخ بیکاری، انگیزه‌های سودجویانه و تغییر در سلسله‌مراتب اجتماعی به نفع طبقات بالای جامعه را در پی داشته است.

لذا ضروری است در سیاست‌گذاری‌های آموزشی و علمی هر کشوری، اگر قرار است سیاستی در راستای خصوصی سازی آموزش عالی تعیین شود چنین سیاست‌هایی با ملاک و معیاری دقیق، تبیین و تشریح شده و زیرساخت‌های بنیانی آن پایه‌گذاری شود تا در مقابله با پیامدهایی از این دست، در مقام ارزیابی با معیارهای تعیین شده، بتواند مورد استناد قرار گیرد. در این صورت است که می‌توان هرگونه نقد منصفانه را در جهت اصلاح و بهبود سیاست خصوصی سازی آموزش عالی به کار گرفت و از هرگونه ارزیابی و نقد سوگیرانه در زمینه خصوصی سازی آموزش عالی مصون ماند. از آموزش عالی انتظار می‌رود که خود را با نیازهای جدید اجتماعی سازگار کرده و به دنیای پیرامون و نیاز ذینفعان پاسخگویی بیشتری داشته باشد.

دانشگاه‌های خصوصی دو برابر بیشتر از دانشگاه‌های دولتی است [۲۶]. همچنین در تایلند ۲۷٪ از دانش‌آموختگان دانشگاه‌های خصوصی و ۱۳٪ از دانش‌آموختگان دانشگاه‌های دولتی در طول اولین سال فارغ‌التحصیلی بیکار هستند [۳۰]. لذا می‌توان گفت محاسبه نرخ‌های بازده مربوط به اثربخشی نظام بازار آزاد یا بیرونی آموزشی در مطالعات نشان می‌دهد که آموزش عالی دولتی نسبت به آموزش عالی خصوصی نرخ بازده بیشتری دارد [۱۸].

نتیجه بررسی مطالعات نشان می‌دهد مؤسسات خصوصی، نه تنها سهم زیادی در تأمین منابع مالی آموزش عالی ندارند [۲۴] بلکه به طور نمونه کشورهایی نظیر مالزی، هر ساله مبالغ قابل توجهی برای گسترش مؤسسات آموزش عالی خصوصی اختصاص می‌دهند. این در حالی است که رشد و گسترش مؤسسات آموزش عالی دولتی محدود شده است [۱۴]. همچنین در ایالت کالیفرنیا آمریکا، با وجود اینکه نسبت ثبت‌نام‌های خصوصی فقط ۱۰ تا ۱۲ درصد از کل ثبت‌نام‌های دولتی است اما حدود ۸۵ تا ۹۰ درصد از مبالغ کمک‌هزینه، به دانشجویان دانشگاه‌های خصوصی اختصاص دارد [۲۲].

همچنین مطالعات نشان می‌دهد نسبت پاسخگویی بخش خصوصی به تقاضاهای بازار [۳۱] و ارائه آموزش‌های مناسب نیازهای بازار و جامعه کمتر از آموزش عالی دولتی بوده است [۳۲]. چنانچه در بسیاری کشورها، مؤسسات آموزش عالی خصوصی عمدتاً، رشته‌های تحصیلی‌ای را ارائه می‌دهند که نیازمند سرمایه‌گذاری کمتری است [۲۳]. این واقعیت وجود دارد که دانشگاه‌های خصوصی نه تنها کمتر به فعالیت‌های تحقیقاتی می‌پردازند بلکه آموزش‌های حرفه‌ای و تجاری ارزانی نیز ارائه می‌دهند. کشورهایی مانند کشور هندوستان، هنگامی که سود اقتصادی بالایی وجود داشته باشد [۳۰] بخش خصوصی در زمینه رشته‌های فنی و مهندسی و پزشکی فعالیت می‌کند و به طور کلی مؤسسات خصوصی در ارائه آموزش بیشتر منافع فردی را مورد توجه قرار می‌دهند و کمتر منافع اجتماعی را [۳۳]. هرچند بخش خصوصی به نیازهای بازار در کوتاه‌مدت پاسخ می‌دهد اما اصلاح آموزش نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت است نه تغییر سریع یک کالا برای پاسخگویی به نیازهای متغیر و مطابق روز.

۳-۵ بررسی ساختار شکلی و توصیفی مطالعات

در بخش یافته‌های شکلی و توصیفی پژوهش، تلاش شده شاخص‌هایی از جمله قالب آثار علمی، گستره زمانی و مکانی، پراکندگی موضوعی، مشارکت محققان، میدان مطالعه و روش تحقیق مورد مطالعه قرار گیرند. (جدول ۱)

جدول ۱) ساختار شکلی و توصیفی مطالعات مورد بررسی

نوع بررسی	عنوان سند	تعداد	درصد ↓
قالب	مقاله	۱۸	۷۴
	کتاب	۵	۲۲
	پایان‌نامه	۱	۴
پراکندگی موضوعی	خصوصی سازی آموزش عالی	۱۵	۶۱
	مقایسه آموزش عالی خصوصی با دولتی	۹	۳۹
زمان انتشار	۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵	۲	۸
	۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰	۸	۳۳
	۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵	۱۴	۵۹
مشارکت محققان	انفرادی	۱۱	۴۶
	تیمی	۱۳	۵۴
گستره پژوهش‌ها از نظر موقعیت مکانی	ملی	۱۷	۷۱
	فراملی	۷	۲۹
روش تحقیق	کمی	۴	۱۷
	کیفی	۲۰	۸۳
میدان مطالعه	مصاحبه و پرسشنامه	۴	۱۷
	مطالعه اسناد و مدارک / کتابخانه‌ای	۲۰	۸۳
	جمع	۲۴	۱۰۰

عالی، گسترش بی‌رویه خصوصی‌سازی در آموزش عالی طی سال‌های اخیر، صاحب‌نظران این حوزه را بر آن داشته که به تحلیل و بررسی ابعاد مختلف آن بپردازند. همچنین ۷۱٪ پژوهش‌ها به صورت ملی و ۲۹٪ فراملی بوده است. این نتیجه حاکی از آن است با توجه به اینکه بیشتر پژوهش‌ها در زمینه خصوصی‌سازی آموزش عالی بر اساس میزان تقاضای ورود به آموزش عالی انجام شده و این تقاضا در هر کشور متفاوت می‌باشد بیشتر پژوهش‌ها در سطح ملی صورت گرفته است. شایان ذکر است با توجه به ماهیت آموزش عالی و اینکه ذینفع اصلی آن انسان می‌باشد ضرورت انجام پژوهش‌های کیفی بیشتر احساس شده است.

در پایان این بخش مقاله، شایان ذکر است در این پژوهش تنها مقالات موجود در پایگاه مقالات دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی مورد مطالعه قرار گرفته و لذا نتایج از جامعیت برخوردار نیست که این نقص می‌تواند در آینده با مطالعه سایر مراجع تکمیل شود.

۶- بحث

با توجه به یافته‌های پژوهش، می‌توان گفت علیرغم توجه پژوهشگران به مباحثی از جمله چرایی، اهداف و انواع خصوصی‌سازی آموزش عالی و پیامدهای آن، اما مباحث مهمی چون مطالعه تطبیقی خصوصی‌سازی آموزش عالی؛ تأثیر خصوصی‌سازی آموزش عالی بر عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و محیطی کشورها؛ اعتبارسنجی دقیق اهداف و معیارهای خصوصی‌سازی در آموزش عالی و همچنین نقش جریان‌های سیاسی در گسترش بی‌رویه خصوصی‌سازی آموزش عالی، مورد غفلت پژوهشگران حوزه آموزش عالی واقع شده است. به نظر می‌رسد این کم‌توجهی از یک طرف ناشی از نوظهور بودن پدیده خصوصی‌سازی در برخی کشورها و از طرف دیگر عدم درک اهمیت مسأله از سوی پژوهشگران این حوزه است. لذا با توجه به اهمیت این مباحث، ضرورت تحقیق و بررسی در زمینه مؤلفه‌های مذکور احساس می‌شود.

به طور کلی، بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان خصوصی‌سازی آموزش عالی را واگذاری امور اجرایی آموزش عالی به بخش خصوصی جهت کوچک کردن دولت

۳-۵-۱ تحلیل ساختار شکلی و توصیفی مطالعات

۶۱٪ آثار علمی مورد بررسی با محوریت خصوصی‌سازی آموزش عالی و حدود ۳۹٪ از آنها به مقایسه آموزش عالی دولتی و خصوصی پرداخته‌اند که ۵۹٪ این مطالعات به دوره زمانی ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵، ۳۳٪ به دوره زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ و ۸٪ هم مربوط به دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ است. بر این اساس می‌توان گفت وضعیت مطالعات از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ روند روبه‌رشدی داشته و به دنبال اهمیت آموزش

سوق داده [۳۶] و موجب شده خصوصی سازی آموزش عالی با تقلیدی شتابزده از خصوصی سازی آموزش عالی در دنیا، انجام گیرد. لیکن به نظر می رسد در ادامه راه می توان به جای صرف منابع انسانی و مادی جهت آزمون و خطا و کسب تجربه در زمینه خصوصی سازی آموزش عالی و تبعات ناشی از آن، از تجربه جهانی دیگر کشورها بهره مند شده و با توجه به زیرساخت ها و شرایط موجود و منافع ملی و جمعی کشور از جمله کاهش بیکاری، توجه به نیازهای بازار کار و تولید کمی و کیفی علم به گسترش مراکز خصوصی آموزش عالی پرداخت. چرا که اگر در این عرصه تنها با هدف ایجاد بازار رقابتی برای کسب سود از طریق افزایش ظرفیت پذیرش دانشجو و دریافت شهریه بیشتر صرفاً به دنبال فروش کالاها و خدمات آموزشی بوده در آینده شاهد ایجاد فضا و روحیه بازارگرایی و قوانین حاکم بر بازار در دانشگاه ها خواهیم بود. در این صورت است که به اعتقاد یمینی [۳۷] «دانشگاهی که می خواهد درآمدزا باشد از مفهوم دانشگاه به عنوان محل فضیلت جویی فاصله می گیرد». این مهم میسر نخواهد شد مگر اینکه به اعتقاد منتظر و فلاحتی [۳۸] سناریویی از آینده آموزش عالی داشته باشیم تا موارد غیرقابل پیش بینی، مسیرهای تحول و آنچه را باید بدانیم و آنچه نباید بدانیم، مشخص شوند تا از یک سو امکان برنامه ریزی هماهنگ برای پیشبرد اهداف و از سوی دیگر، تأثیر سایر عوامل را از نظر دور نماند.

در پایان می توان گفت چنانچه به دنبال موفقیت آموزش عالی ایران و دستیابی به ایجاد فرصت های برابر آموزشی هستیم باید صرف نظر از دولتی یا خصوصی بودن آموزش عالی، نظام شایسته سالاری و انتخاب افراد با استعداد، فارغ از طبقه اجتماعی، ثروت و قومیت را در آموزش عالی پیاده نماییم. همچنین بخش خصوصی واقعی با شرایط رقابتی با چارچوب های نظارت و ارزیابی کیفیت و حمایت های مالی و قانونی، عهده دار آموزش عالی شود. چرا که آنچه در حال حاضر در آموزش عالی ایران شاهد آن هستیم را نمی توان خصوصی سازی نامید بلکه به دلیل ارتباط تنگاتنگ خصوصی سازی آموزش عالی و دولت می توان آن را "آموزش عالی شبه دولتی" نام نهاد.

و کاهش هزینه ها تعریف کرد که به دنبال تقاضاهای فزاینده برای آموزش عالی، ناتوانی یا ضعف تمایل دولت در پاسخگویی به تقاضاهای فزاینده برای آموزش عالی به دلیل کمبود اعتبارات و ایجاد فرصت های برابر آموزشی، تغییر در سلسله مراتب اجتماعی و افت کیفیت آموزش در بیشتر مناطق و کشورهای دنیا با سرعت زیادی گسترش پیدا کرده است. یافته های پژوهش حاکی از آن است که گسترش بی رویه خصوصی سازی آموزش عالی منجر به افزایش نرخ بیکاری، عدم کاهش وابستگی مالی به بودجه بخش دولتی، عدم پاسخگویی به نیازهای بازار کار و اولویت منافع فردی نسبت به منافع اجتماعی گردیده و همچنین موجب شده بین این مراکز با مراکز باکیفیت فاصله اندازد. در واقع با رشد خصوصی سازی آموزش عالی در دنیا شاهد تقابل کمیت با کیفیت هستیم نه همکاری میان آنها. در مقایسه با یافته های پژوهش حاضر، مطالعه رحیمی [۳۵] نیز نشان می دهد طبقاتی شدن آموزش، افزایش نابرابری های اجتماعی، نابرابری در دسترسی به فرصت های آموزشی، تفوق انگیزه های سودجویانه در بخش خصوصی و تغییر در سلسله مراتب اجتماعی به نفع طبقات بالای جامعه را می توان به عنوان عواقب منفی خصوصی سازی آموزش عالی قلمداد کرد. بنابراین با نگاهی تطبیقی به پژوهش های انجام شده می توان گفت یافته های پژوهش حاضر و نتایج پژوهش [۳۵] در بسیاری از پیامدهای منفی خصوصی سازی آموزش عالی همسو بوده است.

۷- نتیجه گیری

بر اساس آنچه گفته شد می توان نتیجه گرفت که خصوصی سازی آموزش عالی نه نوش دارو بلکه یک دارونما با عوارض جانبی بسیار نامناسب است که حال بیمار را وخیم تر می کند. خصوصی سازی آموزش عالی در دنیا و تجربه جهانی آن که مورد اشاره قرار گرفت حاکی از آن است که خصوصی سازی آموزش عالی تابع عوامل و شرایطی است که بایستی با مطالعه و شناسایی کامل شرایط هر کشور و آماده سازی بسترهای مورد نیاز اجرا شود تا اهداف آن به نحو مطلوب تحقق یابد. علیرغم اینکه پاسخ به تقاضاهای روبه تزايد اجتماعی، آموزش عالی ایران را به گسترش کمی

[۱۶] منتظر، غلامعلی و فلاحتی، نگار. (۱۳۹۴). ارزیابی سناریوهای آموزش عالی جهان در افق ۲۰۲۵ میلادی. اولین کنفرانس بین‌المللی و چهارمین کنفرانس ملی آموزش مهندسی، دانشگاه شیراز، ۱-۹.

[17] Bjarnason, S. & Cheng, K. M., Fielden, J., Lemaitre, M. J. & Levy, D. (2009). The new challenge: Private higher education, Scientific and Cultural Organization 7, place de Fontenoy, 75352 Paris 07 SP Set and printed in the workshops of UNESCO.

[18] Levy, D. C., & Zumeta, W. (2011). Private higher education and public policy: A global view. *Journal of Comparative Policy Analysis: Research and Practice*, 13(4), 345-349.

[19] Oppedisano, V. (2014). Expansion of higher education and non-skilled labor market outcomes London Metropolitan University, Faculty of Business and Law, Old Castle Street, London E17NT, United Kingdom, *Economics of Education Review* 40, 205-220.

[20] Slantcheva, S. & Levy, D. C. (2012). PRIVATE Higher Education in post-COMMUNIST EUROPE.

[21] Paczuska, A. (1992). Skills Qualification and Profession; a Higher Education View; *Economics of Education*. Vol. 11, No. 4, 428-438.

[22] McMahon, W. W. (2009). Higher Learning, Greater Good: the Private and Social Benefits of Higher Education, *Educational Philosophy and Theory*, Vol. 42, No. 4.

[23] Denison, D., Fowles, J., & Moody, M. J. (2014). Borrowing for College: A Comparison of Long-Term Debt Financing between Public and Private, Nonprofit Institutions of Higher Education. *Public Budgeting & Finance*, 34(2), 84-104.

[24] Teixeira, P. N., & Dill, D. D. (Eds.). (2011). Public vices, private virtues?: Assessing the effects of marketization in higher education (Vol. 2). Springer Science & Business Media.

[25] Molly, N. & Lee, N. (2008). Restructuring of Higher Education: Public Private Partnership *Journal of Asian Public Policy*, 1:2, 188-198.

[26] Teixeira, P. & Rocha, V., Biscaia, R. & Cardoso, M. F. (2013). Competition and diversity in higher education, both public and private, *Applied Economics*, Vol. 45, No. 35, 4949-4958.

[27] McMahon, W. W. (2010). Higher Learning, Greater Good, University of Illinois at Urbana-Champaign.

[28] Koda, Y., & Yuki, T. (2013). The labor market outcomes of two forms of cross-border higher education degree programs between Malaysia and Japan. *International Journal of Educational Development*, 33(4), 367-379.

[29] Mok, K. H. (2008). The growing importance of privacy in education: challenges for the higher education in China. *A Journal of Comparative and International Education*, 39: 1, 35-49.

[30] Levy, D. C. (2012). How Important Is Private Higher Education in Europe? A Regional Analysis in Global Context. *European Journal of Education*, 47(2), 178-197.

References

منابع

- [۱] قورچیان، نادرقلی و حیدری کرد زنگنه، غلامرضا. (۱۳۸۷). ارایه مدلی جهت ارتقاء و توسعه خصوصی‌سازی در ایران. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۳۰، ۲۱۹-۲۵۷.
- [۲] منتظر، غلامعلی و فلاحتی، نگار. (۱۳۹۴). سناریونگاری آینده آموزش عالی ایران و کارکرد فناوری اطلاعات در آن. فصلنامه سیاست علم و فناوری، شماره ۱، ۴۷-۸۲.
- [۳] آراسته، حمیدرضا و اسفندیاری، توران. (۱۳۸۹). خصوصی‌سازی در آموزش عالی. فصلنامه نشاء علم، شماره یک، ۱۱-۲۰.
- [۴] ربیعی، علی و نظریان، زهرا. (۱۳۹۰). عوامل مؤثر در سیاست‌گذاری آموزش عالی با رویکرد اصل ۴۴. فصلنامه راهبرد، شماره ۶۱، ۲۴۷-۲۷۶.
- [۵] حمدی، کریم و روشن، احمدرضا. (۱۳۹۰). راهبرد خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران. فصلنامه پژوهش‌های مدیریت راهبردی، شماره ۴۸، ۷۳-۹۰.
- [۶] تسنیمی، عباسعلی و سجادی، مهدی. (۱۳۸۰). نقدی بر مبانی نظری خصوصی‌سازی مراکز آموزش عالی. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۲۰، ۱۵-۴۲.
- [۷] ساخارووپولوس، جرج و مورین، وودهان. (۱۳۷۳). آموزش برای توسعه؛ ترجمه وحیدی، پریدخت. چاپ دوم. تهران: نشر برنامه و بودجه.
- [۸] منادی، مرتضی. (۱۳۸۲). نقد و بررسی: بازتولید، عناصری برای یک نظریه نظام آموزشی. فصلنامه انسان‌شناسی، شماره ۳، ۱۹۳-۱۹۸.
- [۹] مهرعلیزاده، یدالله. (۱۳۷۳). خصوصی‌سازی در آموزش عالی. فصلنامه مدیریت دولتی، شماره ۲۶ و ۲۷، ۶۰-۷۶.
- [۱۰] اردشیری، منصور. (۱۳۸۶). خصوصی‌سازی در آموزش عالی: اهداف، روش‌ها، تأمین مالی و تحلیل هزینه. فصلنامه مجلس و راهبرد، شماره ۵۵، ۳۴۹-۳۷۸.
- [۱۱] عباسی، بدری؛ قلی‌پور، آرین؛ دلاور، علی و جعفری، پریش. (۱۳۸۸). تحقیق کیفی پیرامون تأثیر رویکرد تجاری‌سازی بر ارزش‌های سنتی دانشگاه. فصلنامه سیاست علم و فناوری، شماره ۲، ۶۳-۷۶.
- [۱۲] پورعزت، علی‌اصغر و حیدری، الهام. (۱۳۹۰). شناسایی و دسته‌بندی چالش‌ها و موانع تجاری‌سازی دانش با استفاده از روش کیو. فصلنامه سیاست علم و فناوری، شماره ۱، ۴۹-۶۲.
- [۱۳] آل‌آقا، فریده؛ کشاورز، محسن و رحیمی، محسن. (۱۳۸۷). روند رشد کمی آموزش عالی خصوصی و دولتی در جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه دانش و پژوهش در علوم تربیتی، شماره ۲۰، ۷۳-۱۱۰.
- [14] Lerra, M. D. (2014). The Dynamics and Challenges of Distance Education at Private Higher Institutions in South Ethiopia. *Asian Journal Of Humanity, Art And Literature*, 1(3), 137-149.
- [۱۵] ربیعی، علی و نظریان، زهرا. (۱۳۹۱). بررسی چالش‌های خصوصی‌سازی آموزش عالی (مطالعه تطبیقی در چهار کشور منتخب). فصلنامه مدیریت در دانشگاه اسلامی، شماره ۴، ۶۴۸-۶۶۸.

[۳۵] رحیمی کلینادی، رضا. (۱۳۷۴). خصوصی سازی آموزش عالی و بررسی اثرات و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان.

[۳۶] فراسنخواه، مقصود. (۱۳۸۷). بررسی وضع موجود و مطلوب ارزیابی نظام علمی در ایران با تأکید بر بخش آموزش عالی. فصلنامه سیاست علم و فناوری، شماره ۲، ۴۳-۵۸.

[۳۷] یمنی دوزی سرخابی، محمد. (۱۳۸۰). درآمدی به بررسی عملکرد سیستم های دانشگاهی. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

[۳۸] منتظر، غلامعلی و فلاحتی، نگار. (۱۳۹۴). شناسایی عدم قطعیت های آینده آموزش عالی ایران. اولین کنفرانس بین المللی و چهارمین کنفرانس ملی آموزش مهندسی، دانشگاه شیراز، ۱-۷.

[31] Reisz, R. D. & Stock, M. (2012). Private Higher Education and Economic Development, *European Journal of Education*, Vol. 47.

[32] Parker, L. D. (2012). From privatised to hybrid corporatised higher education: a global financial management discourse. *Financial Accountability & Management*, 28(3), 247-268.

[33] Carpentier, V. (2012). Public-Private Substitution in Higher Education: Has Cost-Sharing Gone Too Far?. *Higher Education Quarterly*, 66(4), 363-390.

[34] Jhingan, A. & Anandkrishnan, M. (2011). Private sector participation in higher education in India *Higher Education Summit 2011-FICCI*.